

به مناسبت ۳۱ خرداد  
سالروز شهادت دکتر مصطفی چمران

# چمرانی که نمی شناسیم



علیرضا کاردار

سوی و یکم خرداد، سالگرد شهادت مصطفی چمران است. همان چمرانی که د کترای فیزیک داشت و در جریان جنگ ایران و عراق، یکی از فرماندهان ایران بود. شاید وجهه نظامی دکتر چمران بیشتر برای ما آشنا باشد. به خصوص برای نسلی که زمان جنگ را درک نکرده و تنها برداشتش از چمران خلاصه شده به مطالب جسته و گریخته‌ای که از خواننده یا در نهایت فیلم «ج» در فیلم حاتم‌ی کیا چمرانی را می بینیم که گوشه گیر است و مانند قهرمانان هالیوودی می تواند با هر دستش یک مسلسل بگیرد و بدون نشانه گیری دشمن را از پایبندازد. در حالی که همین چمران، علاوه بر دکترای فیزیک، شاعر، نویسنده، عکاس، نقاش و مجسمه ساز هم بوده است. دست همسرش را می بوسیده، برای مادرش و فرزند از دست رفته اش نامه عاشقانه می نوشته، نیایش هایش متونی ادبی و عارفانه هستند و وصیت نامه اش یک تغزل است. در این پرونده سعی می کنیم بیشتر با شهید چمران آشنا شویم. باشد که نسل های جدید برداشت های یک بعدی از قهرمانان کشورمان نداشته باشند.

#### هنرمندی که فیزیک پلاسما می خواند

مصطفی چمران در سال ۱۳۳۲ بار تبه ۱۵ در رشته الکترومکانیک دانشکده فنی دانشگاه تهران پذیرفته می شود. او در تمام دوران تحصیل جزو شاگردان ممتاز است. سپس با دریافت بورس تحصیلی به دانشگاه تگزاس «ای اندام» آمریکا می رود و کارشناسی ارشدش را در رشته مهندسی برق می گیرد. سپس برای دریافت درجه دکترا در رشته پلاسما فیزیک به دانشگاه برکلی ایالت کالیفرنیا می رود و در آن جانیز می درخشد، به گونه ای که پایان نامه او مرجع مقالات علمی در زمینه پلاسما فیزیک می شود. چمران در کنار زبان فارسی به زبان های عربی، ترکی، فرانسوی، انگلیسی و آلمانی مسلط بود و در کنار دانش، به هنر نیز توجه دارد.

#### دکتر پارتیزان می شود

پس از جنگ اعراب ورژیم صهیونیستی و همزمان با ایجاد فضای منفی گسترده علیه مسلمانان، چمران تصمیم می گیرد از آمریکا خارج شود، به خاورمیانه سفر کند. چمران پس از اتمام تحصیلات و پس از تظاهرات پانزده خرداد رهسپار مصر می شود و به تأسیس اولین پایگاه آموزش جنگ های مسلحانه می پردازد. او به مدت دو سال، سخت ترین دوره های چریکی و پارتیزانی را می آموزد و به عنوان بهترین شاگرد این دوره شناخته می شود. در دهه ۵۰ چمران همه چیز را رها کرده و به سوی لبنان رهسپار می شود تا در کنار موسی صدر، به فعالیت های فرهنگی و چریکی بپردازد. او به مدت هشت سال مدیریت مدرسه صنعتی جبل عامل را به عهده می گیرد.

#### سنت شکنی های چمران

فاطمه نواب صفوی، فرزند شهید نواب صفوی، در آستانه پیروزی انقلاب از آمریکا که در آن تحصیل می کند به میهن بازمی گردد و همزمان با آغاز جنگ تحمیلی به جبهه های رودتا در کنار دکتر چمران در بسیاری از صحنه های نبرد حضور یابد و با دوربین عکاسی خود آن هاراجاودان سازد. او در باره چمران می گوید: «شهید چمران هنگام محول کردن مسئولیت و مأموریت به افراد، به قابلیت وی در انجام آن کار توجه داشتند و جنسیت در این زمینه، ملاک نبود. من در لبنان بودم که خبر شروع جنگ را شنیدم و به سرعت خود را به ایران رساندم و سراغ دکتر چمران را گرفتم. به من گفتند که ایشان در خوزستان است. خود را به آن جا رساندم و به دکتر گفتم که می خواهم در کنار برادران در دفاع از کشور سهیم باشم. ایشان بی درنگ دستور دادند اسلحه را اختیار من قرار گیر و اطلاعات لازم را به من بدهند. بعد هم به من و تعدادی از برادران مأموریت «تک‌زنی» (تیراندازی پراکنده برای ادیت کردن دشمن و وقت خریدن برای نیروهای خودی) را محول کردند. چند ماه بعد هم شهید چمران، تهیه گزارش از خطوط راهی من محول کردند که انجام این کار به وسیله یک زن هم یکی از سنت شکنی های ایشان بود. ویژگی دیگر دکتر چمران، ساده پستی به مفهوم واقعی کلمه بود. ایشان در دورانی که وزیر دفاع بودند، در یک طبقه کوچک یکی از ساختمان های نخست وزیری سکونت داشتند. یکی از روزهای ماه مبارک رمضان برای افطار به خانه ایشان رفتم و دیدم برای افطار، نان و پنیر و هندوانه دارند. دکتر در منزل بخش زیادی از کارها را خودشان می کردند. مثلاً به یاد دارم یکی دوبار که به منزلشان رفتم، دیدم دکتر مشغول ظرف شستن هستند.»

### بخشی از متن وصیت نامه به امام موسی صدر

« برای مرگ آماده شده ام و این امری است طبیعی که مدت هاست با آن آشنا شده ام. ولی برای اولین بار وصیت می کنم. خوشحالم که در چنین راهی به شهادت می رسم. خوشحالم که از عالم و ما فیها بریده ام. همه چیز ا ترک گفته ام. علایق را زیر پا گذاشته ام. قید و بند ها را پاره کرده ام. دنیا و مافیها را سه طلاقه گفته ام و با آغوش باز به استقبال شهادت می روم... از آن چه به دست من رسیده، به خاطر احتیاجات شخصی چیزی بر نداشته ام.

جز زندگی درویشانه چیزی نخواسته ام. حتی زن و بچه ها و پدر و مادر نیز از من چیزی دریافت نکرده اند... وصیت من در باره قرض و دین نیست. مدیون کسی نیستم، در حالی که به دیگران زیاد قرض داده ام. به کسی بدی نکرده ام. در زندگی خود جز محبت، فداکاری، تواضع و احترام نبوده ام. از این نظر نیز به کسی مدیون نیستم... آری وصیت من در باره این چیزها نیست... وصیت من در باره عشق و حیات و وظیفه است...»



#### فعالیت سیاسی چمران در آمریکا

وی از ۱۵ سالگی در جلسات تفسیر قرآن آیت ... طالقانی و در درس فلسفه و منطق شهید مطهری شرکت می کند. چمران از نخستین اعضای انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران است. در مبارزات سیاسی دوران مصدق، از دوره چهاردهم مجلس شورای ملی تاملی شدن صنعت نفت شرکت فعال دارد. وی در روز ۱۶ آذر ۱۳۳۲ در حمله گارد به دانشکده فنی دانشگاه تهران جزو معترضان به حضور نیکسون، معاون رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا ست بعد ها وی با همکاری همفکرانش برای اولین بار انجمن اسلامی دانشجویان آمریکا را پایه ریزی می کند و از مؤسسان انجمن اسلامی دانشجویان ایرانی در کالیفرنیا ست. به دلیل این فعالیت ها، از ساواک پدرش را می خواهند و به او می گویند «ما تر می چهار صد دلار به پسر ت پول نمی دهیم که برود علیه ما مباره کند» پدر می گوید «مصطفی عاقل و رشید است. من نمی توانم در زندگی اش دخالت کنم.» بورس تحصیلی شاگرد دمنزاری وی از سوی رژیم شاه قطع شده و از آن پس تا پایان دوره دکتر ادر دانشگاه بر کلی به عنوان پژوهش یار مشغول به کار می شود.

#### نه توی مجلس بند می شد نهوزار تخانه

با آغاز جنگ ایران و عراق به فکر می افتد برود جبهه. نه توی مجلس بند می شود نه وزارت خانه. پیش امام (ره) می رود و می گوید باید نامنظم با دشمن بجنگیم تا هم نیرو ها خودشان را آماده کنند، هم دشمن نتواند پیش بیاید. بر می گردد، همه را جمع می کند و می گوید: «آماده شوید همین روز ها راه امی افقیم.» می پرسند: «امام چه؟» می گوید: «دعا یمان کرد ند.» ستاد جنگ های نامنظم را بنیان می گذارد. ایجاد واحد مهندسی فعال برای ستاد جنگ های نامنظم یکی از این برنامه هایی است که به کمک آن، جاده های نظامی به سرعت در نقاط مختلف ساخته و با نصب پمپ های آب در کنار رود کارون و احداث کانالی به طول حدود ۲۰ کیلومتر و عرض یک متر در مدتی حدود یک ماه، آب کارون را به طرف تانک های عراقی روانه می سازد، به طوری که آن ها مجبور می شوند چند کیلومتر عقب نشینی کنند و سدی بزرگ مقابل خود بسازند. دکتر چمران که از محاصره تعدادی از یاران و رزمندگان ایرانی در سوسنگرد سخت بر آشفته می شود، با تلاش فراوان ارتش را آماده می سازد تا برای نخستین بار دست به یک حمله خطرناک و نابرابر بزنند و خود نیز نیرو های مردمی و سپاه پاسداران را در کنار ارتش سازمان

#### وفای به عهد تا آخر عمر

مهریه ام قرآن کریم بود و تعهد از داماد که مرا در راه تکامل و اهل بیت (ع) و اسلام هدایت کند. روزی که مصطفی به خواستگاری من آمد مادر م به او گفت: «این دختر صبح ها که از خواب پا می شود، در فاصله ای که دستش را شسته و مسواک می زند، یک نفر تختش را مرتب کرده است و لیوان شیر را جلوی در اتاقش آورده و قهوه را آماده کرده است. شما می توانید با این دختر از دواج کنید؟» مصطفی که خیلی آرام گوش می کرد گفت: «من نمی توانم برایش مستخدم بگیرم، ولی قول می دهم تا زنده ام، وقتی بیدار شد تختش را مرتب کنم و لیوان شیر و قهوه را روی سینی بیاورم روی تخت.» تا وقتی شهید شد این کار را می کرد. خودش قهوه نمی خورد اما چون می دانست ما لبنانی ها عادت داریم، درست می کرد و وقتی منشی می کردم می گفت: «من به مادر تان قول داده ام تا زنده ام این کار را برای شما بکنم.»

#### بوسیدن دستی که خیر می رساند

یک هفته بود مادر م در بیمارستان بستری بود. مصطفی به من سفارش کرد که «شما بالایا سر مادر تان بمانید، و لش نکنید، حتی شب ها» و من هم این کار را کردم. مامان که خوب شد و آمدم خانه، من دوروز دیگر هم پیش او ماندم. یاد م هست روزی که مصطفی آمد دنیا لم، قبل از این که



### کوتاه درباره مردی بزرگ

مصطفی چمران ساو اه ای، متولد ۱۳۱۰ تهران، در دانشگاه تهران تحصیلات خود را در رشته الکترومکانیک به پایان برد. سپس برای ادامه تحصیل به آمریکا رفت و د کترای فیزیک پلاسما گرفت. پس از گذراندن آموزش های نظامی در مصر، به لبنان رفت و به همراه امام موسی صدر، در تشکیل جنبش امل نقش مؤثری داشت و از فرماندهان آن بود. چمران در زمان تحصیل در دانشگاه تهران، در درس ترمودینامیک، شاگرد دمهدی بازرگان بود که عامل مهمی در ورود او به عرصه سیاست شد. در زمان تحصیل در خارج از ایران، چمران به همراه چند نفر دیگر، انجمن اسلامی دانشجویان ایران در آمریکا را تأسیس کرد. پس از پیروزی انقلاب، به ایران بازگشت و در دولت بازرگان مدتی مسئولیت وزارت دفاع را بر عهده داشت. او در دوره نخست مجلس شورای اسلامی از سوی مردم تهران به نمایندگی انتخاب شد. در یکی از نیایش های خود بعد از انتخاب نمایندگی مردم می گوید: «خدا یا، مردم آن قدر به من محبت کردند اند و آن چنان مرا از باران لطف و محبت خود سرشار کرده اند که به راستی خجلم و آن قدر خود را کوچک می بینم که نمی توانم از عهده آن به برآیم. خدا یا، تویه من فرصت ده، توانایی ده تا بتوانم از عهده برآیم و شایسته این همه مهر و محبت باشم.» چمران با شروع جنگ، به اهواز رفت و ستاد جنگ های نامنظم را بنیان گذاری کرد و بین نیروهای ارتش، سپاه و نیروهای داوطلب مردمی هماهنگی ایجاد کرد. مصطفی چمران در ۳۱ خرداد ماه ۱۳۶۰ در مسیر دهلاویه به سوسنگرد در اثر اصابت ترکش خمپاره شهادت رسید.

### مناجاتی از شهید چمران

... خدا یا تو مرا عشق کردی که در قلب عشاق بسوزم. تو مرا اشک کردی که در چشم یتیمان بخوشم. تو مرا ه کردی که از سینه بینوایان و دردمندان به آسمان صعود کنم. تو مرا فرباد کردی که کلمه حق را هر چهر سائر بر این جباران اعلام نمایم. تو مرا در دریای مصیبت و بلا غرق کردی و در کویر فقر و حرمان تنهایی سوزاندی. خدا یا تو یوحی لذت زود گذر را عیان نمودی، توانا یابداری روزگار را نشان دادی. لذت مبارزه را چشاندی. ارزش شهادت را آموختی.

#### ماندگاری دکتر در ایران

با پیروزی انقلاب اسلامی، در سی ام بهمن آن سال دکتر چمران همراه با یک گروه ۹۲ نفره از لبنان به ایران آمده و با آن که قصد ماندن در ایران را ندارد، به توصیه امام خمینی (ره) در وطنش ماندگار می شود. در ناآرامی های کردستان برای مقابله با جدایی طلبانی که با دولت مرکزی می جنگند همراه با ولی ... ا فلاحی، فرمانده نیروی زمینی ارتش، به آن منطقه می رود و در حالی که پیشاپیش نیروهای نظامی حرکت می کند، راه را برای عبور تانک ها باز و آن گردنه را پاکسازی می کند. در ناآرامی های مریوان نیز از طرف دولت موقت به مأموریت می رود و ۱۰ روز در آن جا می ماند و پس از برگزاری جلسات متعدد برای بازگشت امنیت به منطقه و حاکمیت دولت مرکزی، با بزرگان شهر به توافق می رسد. چمران پس از حوادث کردستان به تهران احضار شده و از سوی امام خمینی (ره) به سمت وزارت دفاع منصوب می شود. سپس در ۲۰ اردیبهشت ۱۳۵۹ به سمت مشاور شورای عالی دفاع ملی منصوب می شود.

#### نه توی مجلس بند می شد نهوزار تخانه

دهمی می کند تا با نظمی نوو شیوه ای جدید از جانب جاده اهواز به سوسنگرد، به دشمن یورش ببرند. چمران در نبردی که برای آزادسازی سوسنگرد در گرفته، به هدف منحرف کردن دشمن از آسیب رسانی به رزمندگان همراهش، به همراه دو تن از همراهانش به درگیری با چند تانک و نفر بر می پردازد که نتیجه آن فرار نیروهای عراقی از صحنه نبرد است. در حالی که او از ناحیه ران مجروح می شود و نیروهایش می توانند خود را به سوسنگرد برسانند، با کامیون هیفایی که از دشمن به غنیمت گرفته خود را به بیمارستان می رساند و بستری می شود. اما پیش از یک شب در بیمارستان نمی ماند و پس از آن به مقر ستاد جنگ های نامنظم می رود. چمران دوباره در تاریخ ۳۱ خرداد ۱۳۶۰ که برای سرکشی، معرفی و توجیه فرمانده جدید محور به منطقه جنگی دهلاویه می رود، در خط مقدم نبرد، بر اثر اصابت ترکش خمپاره دشمن از ناحیه پشت سر زخمی می شود. کمک های اولیه بر روی او در بیمارستان سوسنگرد که بعداً به نام «شهید دکتر چمران» نامیده شد، انجام می گیرد و آمبولانس به اهواز می شتابد ولی پیکر بی جان او به اهواز می رسد.

### از بین خاطرات همسر شهید چمران

ماشین را روشن کند دست مرا گرفت و بوسید، می بوسید و همان طور با گریه از من تشکر می کرد. «من گفتم: «برای چی مصطفی؟» گفت: «این دستی که این همه روز به مادرش خدمت کرده، برای من مقدس است و باید آن را بوسید.» گفتم: «از من تشکر می کنی؟» خب این که من خدمت کردم مادر من بود، مادر شما نبود که این کار را می کنید.» گفت: «دستی که به مادرش خدمت می کند مقدس است و کسی که به مادرش خیر نداد دبه هیچ کس خیر ندارد. من از شما ممنونم که با این همه محبت و عشق به مادر تان خدمت کردید.»

#### آخرین نگاه

وارد اتاق شدم دیدم مصطفی روی تخت دراز کشیده، فکر کردم خواب است. گفت: «من فردا شهید می شوم. ولی من می خواهم شمار ضایت بدهید. اگر رضایت ندهید شهید نمی شوم... من فردا از این جامی روم و می خواهم بار ضایت کامل شما باشد.» آخر ضایتم را گرفت. نامه ای داد که وصیتش بود. گفت: «تا فردا باز نکنید.» بعد دو سفارش به من کرد: «اول این که ایران بمانید» گفتم: «ایران بمانم چه کار؟ این جا کسی را ندارم» گفت: «نه تعرب بعد از هجرت تان می شود. ما این حکومت اسلامی داریم و شما تابعیت ایران دارید. نمی توانید برگردید به کشوری که حکومتش اسلامی نیست، حتی اگر آن کشور خودتان باشد» دوم هم این بود که بعد از اواز دواج کنم.



منابع: وب سایت شهید آوینی، وب سایت نوید شاهد، یاران ناب، وب سایت ابر و باد